گزارش

۱۱ میلیون ساکن در بافت‌های فرسوده و ۹ میلیون حاشیه‌نشین در ایران

زیر پوست حاشیه شهر

ملیحه زرین‌پور
روزنامه‌نگار

خبر این بود: «۹ میلیون حلبی‌نشین در ایران!» خبری که شاید آنقدرها هم داغ نبود تا خواب خرگوشی برخی مسئولان را بپراند؛ چراکه آنقدر تکراری شده است که دیگر قادر به تکانه‌های اساسی نیست یا به قول خودمان سرد شده و از دهان افتاده است. بارها و بارها از حاشیه‌نشینی گفته شده است و معضلات و عواقب آن هم گوشزد شده اما انگار باز هم گوش شنوایی برای این به اصطلاح بیماری خاموش کلانشهرها نیست!

اما اندکی توجه و دقت، خبر از عمق فاجعه می‌دهد. مطابق آنچه حمید بادامی، در قامت رئیس کمیسیون تحقیقات و آموزش شورای عالی استان‌ها گفته است: «ایران با جمعیت ۸۰ میلیون نفر دارای ۱۱ میلیون ساکن در بافت‌های فرسوده و ۹ میلیون نفر ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌ای است؛ به‌طوری که در مجموع ۲۰ میلیون نفر در این سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند و این تعداد شامل ۲۵ درصد جمعیت کشور می‌شود.» این بدان معنا است که ۲۵ درصد جامعه در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی هستند. به‌عبارتی یک چهارم جمعیت ایران به دلایلی چون فقر و مهاجرت به حاشیه رانده شده‌اند و اکنون شاید خیلی بیش از تصورمان دچار رنج، درد و ناراحتی ناشی از آسیب‌ها و معضلات حلبی‌آبادها هستند.

عمق فاجعه و هشدارهای نشنیده!

عمق فاجعه وقتی بیش از پیش خودنمایی می‌کند که این سوال مدام در ذهنت بچرخد با وجود آمارهایی که شکی هم در صحت‌شان نیست و هر روز از دهان مسئولی شنیده می‌شود و به‌رغم آنکه جامعه‌شناسان مدام هشدار داده و بافت‌های حاشیه‌ای کلانشهرها را منشا انواع آسیب و ناامنی می‌دانند چرا باز هم مسئولان دست روی دست گذاشته‌اند و کاری انجام نمی‌شود یا شاید هم انجام شود اما در این راستا برنامه‌ریزی کارشناسانه و عملیاتی درستی وجود ندارد!؟ در این میان حاشیه‌نشینی همچنان رو به افزایش است و مشکلات و آسیب‌های آن هر روز چهره زشت‌تری از خود نمایان می‌کند.

نگاهی به تاریخچه حاشیه‌نشینی نشان می‌دهد این معضل در کلانشهرهای کشورهای جهان از جمله ایران پس از انقلاب صنعتی و در کشورمان به‌ویژه بعد از انقلاب مشروطیت و ملی شدن صنعت نفت، شکل گرفته و به‌عنوان یکی از مشکلات شهری مطرح شده است؛ معضلی که امروز از آن به عنوان بیماری خاموش کلانشهرها یاد می‌شود. مطابق پژوهش‌های انجام شده از دیرباز مهاجران روستایی و ساکنان شهرهای کوچک به دلایلی چون مشکلات اقتصادی و خشکسالی و با تصور پیشرفت و زندگی بهتر و از همه مهم‌تر یافتن کار و درآمدی مناسب‌تر به شهرهای بزرگ می‌آمدند؛ اما به علت نداشتن سرمایه کافی در حاشیه شهر اسکان می‌یافتند که اوج این اسکان‌ها به دهه ۶۰ برمی‌گردد. به روایت تحقیق‌های انجام شده اسکان غیررسمی از پنج درصد جمعیت مجموعه شهری در سال ۱۳۵۵ به ۱۱ درصد در سال ۱۳۶۵ و ۱۹ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته و اکنون شامل ۲۵ درصد جمعیت می‌شود.

> از دیرباز مهاجران روستایی و ساکنان شهرهای کوچک به دلایلی چون مشکلات اقتصادی و خشکسالی و با تصور پیشرفت و زندگی بهتر و از همه مهم‌تر یافتن کار و درآمدی مناسب‌تر به شهرهای بزرگ می‌آمدند؛ اما به علت نداشتن سرمایه کافی در حاشیه شهر اسکان می‌یافتند که اوج این اسکان‌ها به دهه ۶۰ برمی‌گردد

از قاچاق مواد تا اعتیاد و تکدی گری

باید این نکته را متذکر شد که حاشیه‌ها یا بهتر بگوییم همان حلبی‌آبادها به دلیل آنکه خارج از نظام مدیریت و مهندسی شهری و مطابق سلیقه و بعضا سرمایه اندک مهاجران روستایی و شهرستانی ساخته شده است سوای از آنکه شکل ظاهری شهر و توازن اجتماعی را بر هم می‌زند، هم برای خود ساکنان حاشیه‌ها و هم برای دیگر ساکنان شهر مشکلات و معضل‌های بسیاری به همراه دارد. چنانچه به اذعان کارشناسان این پدیده نامیمون در عین حال که نتیجه و حاصل معضلات اجتماعی و اقتصادی است، خود عاملی برای بروز مسائل و مشکلاتی از انواع آسیب‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی چون بزهکاری، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، خودکشی، طلاق، جرم و جنایت، پرخاشگری و خشونت، کودکان آسیب‌دیده اعم از کودکان خیابانی و دختران فراری، تکدی گری، جرائم مالی و سرقت می‌شود. این همه خود موجب می‌شود ساکنان این مناطق همیشه از نداشتن امنیت شکایت کنند. باید گفت حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن از بزرگ‌ترین معضل‌های شهری در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود.

وجود نابرابری، ساختار نامناسب شغلی، نبود تسهیلات خدماتی و بهداشتی، مسکن نامناسب، پایین بودن سرمایه فرهنگی و همان‌طور که پیشتر هم بدان اشاره شد ضعف امنیتی از جمله معضل‌های نواحی حاشیه‌نشین به شمار می‌رود که آن را به بستری برای پیدایش و اشاعه انواع آسیب‌های اجتماعی تبدیل کرده است.

دام گسترده گروه‌های سازمان‌یافته

سیف‌الدین سیف اللهی، جامعه شناس در خصوص معضل‌های حاشیه‌نشینی در کلانشهرها معتقد است: «یکی از آسیب‌های این قضیه از دست رفتن اقتصاد مولد در شهرهاست. روستاها به دلیل نزدیکی‌شان به شهرها، با گذر زمان به قسمتی از اطراف شهر تبدیل شدند. این افراد روابط و مناسبات شهری ندارند، بنابراین روابط و مناسبات روستایی در سطح گسترده‌تر در شهر پدید می‌آید. بزرگ‌ترین پیامد و آسیب در این زمینه از دست رفتن اقتصاد مولد و ایجاد اقتصاد مصرفی، اقتصاد دلالی و اقتصاد سیاه است.»

به گفته این جامعه‌شناس «فقر فرهنگی و روانی از دیگر آسیب‌هایی است که می‌تواند برای افراد حاشیه‌نشین مشکل ایجاد کند؛ چراکه آنها شغل و درآمد کافی ندارند و از طرفی این افراد نمی‌توانند خود را با محیط اطراف انطباق دهند، احساس شهروند بودن ندارند و خود را بیگانه احساس می‌کنند و این همان فقر روانی است.»

باید گفت اعتیاد، طلاق، جرم و جنایت و از همه مهم‌تر شکاف طبقاتی از عوارض اساسی حاشیه‌نشینی و عبارتی وجود حلبی‌آبادها محسوب می‌شود که آمار بالایی نسبت به دیگر محلات شهری دارند؛ چنانچه به سبب وجود آزادی‌ها همچنین کنترل‌ها و نظارت‌های کمتری که در این نواحی وجود دارد، افراد مجرم و باندهای قاچاق موادمخدر سرمایه‌گذاری ویژه‌ای روی حاشیه‌شهرها می‌کنند تا از ظرفیت ساکنان این محلات در شکل گروه‌های سازمان‌نیافته برای جابه‌جایی مواد بهره بگیرند. تحقیق‌های میدانی در محلات حاشیه‌ای به گروه‌های سازمان‌یافته تکدی گری، جرم و بزهکاری نیز اشاره داشته و آن را خطری جدی برای جامعه مدنی به حساب می‌آورد؛ چراکه دام‌های گروه‌های سازمان‌یافته خلافکار و قاچاقچی در این نواحی به راحتی گسترده می‌شود.

> فقر فرهنگی جزء پرآسیب‌ترین معضل‌های حاشیه‌نشینی محسوب می‌شود؛ چنانچه افراد حاشیه‌نشین خود را جدا از جامعه و به عبارتی منزوی می‌پندارند. همین امر سبب بروز عقده‌های روانی و درونی در افراد می‌شود که به شکل بزهکاری، اعتیاد و خشونت خودنمایی می‌کند

فقر فرهنگی در حاشیه‌نشین‌ها

با این حال و همان‌طور که در گفته‌های جامعه‌شناسان نیز مشهود است فقر فرهنگی جزء پرآسیب‌ترین معضل‌های حاشیه‌نشینی محسوب می‌شود؛ چنانچه افراد حاشیه‌نشین خود را جدا از جامعه و به عبارتی منزوی می‌پندارند. همین امر سبب بروز مشکلات روانی و درونی در افراد می‌شود که به شکل بزهکاری، اعتیاد و خشونت خودنمایی می‌کند. هرچند انسان‌های شریفی هم در اطراف شهرها زندگی می‌کنند که بعضا به سبب نداشتن سرمایه و درآمد مکفی مجبور به اسکان در آنجا شده‌اند و گاهی در کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی مشغول به کار هستند؛ اما بستر آسیب‌ها بیش از این حرف‌هاست.

چنانچه حمید بادامی، رئیس کمیسیون تحقیقات و آموزش شورای عالی استان‌ها از آن به‌عنوان بحران اجتماعی یاد کرده و گفته است: «عدم توجه به توانمندسازی بافت‌های حاشیه‌ای و سکونتگاه‌های غیررسمی در ابعاد مختلف آن، باعث افزایش افسار گسیخته ناهنجاری‌های اجتماعی در این محلات می‌شود و در صورت عدم کنترل و مواظبت می‌تواند به‌عنوان یک بحران اجتماعی مطرح شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود دولت و متولیان امر در راستای کاهش معضلات و آسیب‌های اجتماعی، سیاست‌های پیشگیرانه را به‌منظور جلوگیری از رشد حاشیه‌نشینی در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند.»

براساس گزارش شورای اجتماعی کشور، ۱۱ استان کشور از جمله تهران، خراسان‌رضوی، کرمان، لرستان، سیستان و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان‌غربی و همدان بیشتر از سایر استان‌ها درگیر معضل حاشیه‌نشینی هستند و ساکنان آن مشکل مالکیت، فقر، بهداشت و درمان و آسیب‌های اجتماعی دارند. اما اینکه چرا با وجود تمام این دانسته‌ها هنوز هم برنامه‌های اجرایی درستی برای کنترل حاشیه‌نشینی یا لااقل کم کردن مشکلات آن ارائه نمی‌شود را باید مسئولان پاسخگوی آن باشند. طبق گفته بادامی «برای رفع مشکلات و کنترل حاشیه‌نشینی همواره در برنامه‌های پنج ساله توسعه، قوانین خوبی پیش‌بینی شده اما متاسفانه هرگز به‌طور کامل محقق نشده است، در برنامه ششم توسعه نیز درباره کنترل گسترش و توانمندسازی مناطق حاشیه‌ای شهرها، تمهیدات و قوانین مناسبی پیش‌بینی شده است.» به نظر می‌رسد توجه نکردن به معضل حاشیه‌نشینی که روزبه‌روز هم در حال گسترش است خسارات جبران‌ناپذیری را به دولت و مردم وارد می‌کند. بنابراین مسئولان باید با کنار گذاشتن سیاسی‌بازی‌ها، اندکی به عمق مشکلات جامعه توجه کرده و فکری به حال نامعلوم حاشیه‌نشین‌ها کنند تا شاید آمار رو به افزایش حاشیه‌نشینی حرکتش کند شود و مشکلات و عوارض آن کاهش یابد.

درباره ایران -۸

هویت ایرانی، هویتی چندپاره گسسته و بی‌پیشینه نیست

آنچه می‌خوانید سلسله مباحث دکتر علی‌اکبر ولایتی و جمعی از کارشناسان در مجموعه برنامه‌های «ایران» در سیمای جمهوری اسلامی ایران در موضوع تبیین مفهوم «ایران و هویت ایرانی» است که در ستون ثابت «درباره ایران» به‌صورت پاورقی در روزنامه «فرهیختگان» منتشر می‌شود.

این حرف‌ها در حول‌وحوش مشروطه و بعد از مشروطه بود. بعدا، در بین جنگ اول و دوم جهانی، یک نوع «نژادپرستی» را در ایران ترویج کردند؛ به همین کلمه‌ای که عرض می‌کنم اصرار دارم که اینها یک نوع نژادپرستی را تبلیغ می‌کردند. اینها نژاد آریایی را برتر می‌دانستند و در این میان، آلمانی‌ها را برتر از همه، چون آنها را آریایی خالص معرفی می‌کردند. همین گروه زمینه‌ساز به وجود آمدن حزب ناسیونالیسم- سوسیالیسم آلمان، به رهبری رایش سوم یا هیتلر شد که بر اساس همین حرف‌های بی‌مبنایی که نژاد برتر، آلمانی است و بقیه نژادها پایین‌تر هستند دنیا را به خاک و خون کشید. نژادپرستان نازی حتی قالب‌هایی از جمجمه ساخته بودند که جمجمه‌های افراد را در آن اندازه می‌گرفتند؛ یعنی مثلا یک قالبی درست کرده بودند و سر هر آدمی را که مدعی می‌شد آریایی است، داخل آن می‌کردند و با این قالب اندازه می‌گرفتند که معلوم بشود از نژاد آریایی است یا مثلا یهودی یا نژاد دیگری است. این دسته از اواسط حکومت رضاشاه، که هیتلر در آلمان پا گرفته بود، همین موضوع - به‌اصطلاح- پسر عمو بودن نژاد ایرانی و جرمن‌ها را مطرح کردند و اصلا همین حرف‌ها مبنای هیتلرگرایی رضاشاه شد. رضاشاه علاقه‌مند بود که از انگلیس‌ها شیفت کند به سمت آلمان‌ها و همین امر هم باعث شد انگلیسی‌ها وقتی متفقین ایران را اشغال کردند، رضاشاه را تبعید کردند به موریس و بعد هم به ژوهانسبورگ. آن حرف‌های بی‌پایه که ما و آلمان‌ها ریشه مشترک نژادی داریم و ما برتریم و بقیه، هر را که غیر ماست، نژاد پست است، مقایسه کنید با نظریه متعالی اسلام که می‌فرماید: «یا أیها النّاسُ إنّا خَلَقْناکُم مِنْ ذَکَرٍ وَأُنْثی وَجَعَلْناکُمْ شُعُوبا وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا ان أَکْرَمَکُم عِندَا... أتقاکُمْ انا... عَلیمٌ خَبیرٌ: بی‌تردید ما همه شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را قبیله‌های بزرگ و کوچک قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید. مسلما گرامی‌ترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شماست. همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است.» (حجرات: ۱۳)

این یعنی یک سیاه‌پوست حبشی می‌تواند از یک سفیدپوست قریشی افضل باشد؛ چنان که بلال به دلیل تقوا، اخلاص و اعتقادش، نزد خداوند افضل بر امثال ابولهب و ابوجهل بود. این فلسفه مترقی اسلام را با آن فلسفه واپس‌گرایانه نژادپرستی که واقعا هیچ مبنای علمی ندارد مقایسه کنید. اسلام می‌گوید آدم‌ها ممکن است با هم تفاوت جسمی و فیزیکی داشته باشند، اما این دلیل نمی‌شود که یکی بر دیگری برتری داشته باشد. همین موضوع را علم هم قبول دارد؛ یعنی استعداد پیشرفت هم به این بستگی ندارد که این سیاه است یا سفید؛ این آریایی است و آن غیرآریایی. شما امروزه می‌بینید سرعت رشد اقتصاد چینی‌ها از همه ملت‌های دیگر بیشتر است. خب، آن زمانی که آلمانی‌ها مدعی می‌شدند نژاد برترند و همه استعدادهای عالم در آنها خلاصه شده و مردم دیگر دست پایین اینها هستند؛ آنها در حال پیشی گرفتن در رشد اقتصادی و صنعتی بودند. اما امروز چینی‌ها از آلمانی‌ها حتما جلوترند. ژاپنی‌ها قبل از چینی‌ها از بقیه جلوزدند. همین نگاه به تاریخ معاصر کاذب و بی‌مبنا بودن نظریه برتری نژاد آریایی را نشان می‌دهد. بعدا که غائله نازی‌ها برطرف شد، استعمارگران از همین نظریه استفاده کردند برای ایجاد تفرقه بین امت واحد اسلامی. خداوند در آن آیه شریفه که ذکر شد می‌فرماید همه شما «انسان» هستید. شعبه، قبیله، ملت، اینها به خودی خود ملاک برتری نیست. ملاک فضیلت «تقوا» است. مروری اجمالی بر تاریخ بشر هم نشان می‌دهد در هر زمانی و هر دوره‌ای، یک قومی برتری داشته است. امروزه هم در همین تاریخ معاصر، ببینید بعد از جنگ جهانی اول تا حالا، چه مقدار قدرت و برتری دست‌به‌دست شده است. یک زمانی، قدرت در دست آسیای مرکزی بود، موقعی در بین‌النهرین بود، موقعی در دره سند بود، موقعی در اروپا بود، موقعی در ری بود، موقعی در نیشابور بود، موقعی در آذربایجان بود؛ در هر زمان، یک جایی محل بروز استعدادها بود: «وَ تِلْکَ الْأَیّامُ نُداوِلُها بَینَ النّاس: و ما این روزها[ی پیروزی و شکست] را در میان مردم می‌گردانیم.» (آل عمران: ۱۴۰) رضاشاه از آن نظریه برتری نژادی خیلی سوءاستفاده کرد و ضربه زد به هویت ملی ما. هویت ملی ما این است که مردمی از اقوام مختلف آذری، کرد، خوزستانی، کرمانی، مازندرانی، گیلانی، خراسانی و...، همه اینها همه در یک سرزمین زندگی می‌کنند و هیچ‌کس صرفا با استناد به تبار و نژادش، از دیگری نمی‌تواند سبقت بگیرد. در جنگ‌های اول و دوم جهانی، در انقلاب اسلامی، در جنگ تحمیلی، در مشکلات مختلفی که این کشور داشته، مقاومتی که این مردم در کنار هم نشان داده‌اند بی‌نظیر است. آیا آذربایجانی‌ها در مقابل هجوم تزارها و کمونیست‌ها کم مایه گذاشته‌اند و کم ایستاده‌اند؟!

ادامه دارد

در حاشیه

عضو شورا تهدید به افشاگری کرد

قرار است از یکشنبه این هفته گزینه‌های شهرداری تهران در صحن علنی برنامه‌های خود را ارائه کنند. طی چند روز گذشته اخبار متفاوتی درخصوص گزینه‌های شهرداری تهران منتشر شده؛ از استعفای یکی از گزینه‌ها تا احتمال مخالفت رئیس‌جمهور با خروج محمود حجتی از کابینه. حجت نظری در پیامی توییتری به برخی لابی‌ها در خارج شورا برای انتخاب شهردار اشاره و با هشتگ شورای اول اختلافات سیاسی شورای اول را یادآوری کرده است. در پیام این عضو شورا آمده است: «اقدامات خطرناکی خارج از شورا برای زدن به زیر میز انتخاب شهردار تهران از میان هفت گزینه موجود در حال انجام است. باید بدانیم خودخواهی و در نظر نداشتن منافع عموم مردم درنهایت دامان همه را خواهد گرفت. اگر شهردار از میان هفت گزینه نهایی انتخاب نشود پشت پرده را بی‌پرده خواهم گفت.» هفته گذشته اعضای شورای شهر هر گونه تصمیم‌گیری خارج از شورای شهر را برای انتخاب شهردار انکار کرده بودند.

بلاتکلیفی معاینه فنی موتورسیکلت‌ها

سیدنواب حسینی‌منش مدیرعامل ستاد مرکزی معاینه فنی خودروهای شهر تهران گفت: «معاینه فنی موتورسیکلت‌ها نشدنی است. ما باید تلاش کنیم موتورسیکلت‌های کاربراتوری از رده خارج شوند؛ چراکه مشکل با معاینه فنی حل نخواهد شد. ۹۰ درصد موتورسیکلت‌ها کاربراتوری است و برای کنترل آلایندگی موتورها با انجام معاینه فنی نمی‌توان اقدامی انجام داد به‌طوری که اکنون ۱۰ خط معاینه فنی موتورسیکلت در شهر تهران وجود دارد که خاک می‌خورد. برای کاهش آلودگی هوا عوامل مختلفی دخیل هستند. یکی از آنها معاینه فنی خودروهاست و دیگری نوسازی خودروهای فرسوده و خارج کردن این خودروها و موتورهای کاربراتوری است که باید عملی شود.» حسینی‌منش درباره اجرای طرح ال‌ای زد نیز توضیح داد: «تمام سعی ما این بود که استعلامات ناجا را اخذ کنیم اما این موضوع محقق نشد و امکان اینکه در مراحل بعدی طرح مذکور را اجرا کنیم، نداریم اما در تلاشیم مشکلات حل شود و وارد مراحل بعدی طرح «ال‌ای زد» شویم.»

بالاخره طرح جدید اجرا می‌شود

محمد علیخانی درباره اجرای طرح ترافیک سال ۹۷ اظهار داشت: «افرادی که سهمیه ندارند می‌توانند نسبت به خرید طرح ترافیک روزانه اقدام کنند و براساس تعرفه‌های مشخص شده عوارض آن را پرداخت کنند.» وی افزود: «افرادی که سهمیه گرفته‌اند نیز شماره خودروی آنها ثبت و برای دوربین‌ها تعریف شده است.» علیخانی ادامه داد: «برای افرادی که مجوز و سهمیه آنها تایید شده است پس از ورود به محدوده طرح ترافیک یک پیامک می‌آید که باید نسبت به تکمیل ثبت‌نام خود هرچه سریع‌تر اقدام کنند. در این میان باید در یک مهلت زمانی نحوه ثبت‌نام تکمیل شود.» رئیس کمیسیون حمل‌ونقل و عمران شورای شهر تهران افزود: «در ۱۵ روز آینده نیز احتمالا پلیس به صورت ارشادی اقدام خواهد کرد. اما این خودروها جریمه نخواهند شد تا اینکه ثبت‌نام خود را تکمیل کنند. در صورتی که در بازه زمانی مشخص شده ثبت‌نام تکمیل نشود قطعا جریمه خواهند شد.»